■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۷۴۲ ■ شنبه ■ ۱۷ مهر ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی چاپخانه همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۲ | اذان مغرب ۱۷/۵۵ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۰ | اذان صبح فردا ۴/۴۳ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۶

سخن روز

پیامبراکرم(ص):
فرزندان خود را کرامت کنید و با آداب نیکو با آنها معاشرت نمایید تا آمرزیده شوید.
کنزالعمال-جلد ۱۶- ص ۴۵۶

«نوبل» یک‌جور لجبازی عجیب دارد

پیمان خاکسار: بعید می‌دانم امسال هم از ترجمه آثار برنده «نوبل» ادبیات استقبال شود، چون فقط ما نیستیم که فهمیدیم انتخاب‌های «نوبل» خیلی عجیب و غریب و بی‌منطق است؛ خواننده هم دیگر این را متوجه شده است. پارسال هم که لوییز گلیک «نوبل» برد، هیچ‌کس کارش را ترجمه نکرد، چون می‌دانستند حتی اگر روی کتاب هم بنویسند: «برنده نوبل» باز هم تأثیری ندارد. در مورد امسال هم بعید می‌دانم. به نظر من قبلاً خواننده وقتی روی جلد کتابی می‌دید که از برنده «نوبل» است، این را اعتباری برای کتاب می‌دید و آن را می‌خرید. اما مدت‌هاست که می‌بینند کتاب برنده «نوبل» چیزی نیست که توجه‌شان را جلب کند. به نظر من، امسال هم درمورد برنده «نوبل» این اتفاق نمی‌افتد. هرچند که ممکن است مترجمان ترجمه کنند، اما خواننده نمی‌خواند. «نوبل» یک‌جور لجبازی عجیب و غریب دارد.

بخشی از صحبت‌های این مترجم درباره اهدای جایزه نوبل به عبدالرزاق گورنا

آدم‌های بزرگ فکرهای از پیش ساخته شده‌ای دارند و هرگز خیالبافی نمی‌کنند و هرگز هم نمی‌توانند فکر کنند که چیز دیگری هم غیر دانسته‌های آنها می‌تواند وجود داشته باشد.

تیستو سبز انگشتی
موریس درئون
لیلی گلستان

نـــگاره
فرهاد آرام مهر

به مناسبت روز ملی کودک
کودکان ترسیم کنندگان فردای ایران

هنرمندان در فضای مجازی

این روزها صفحات هنرمندان از درگذشت فتحعلی اویسی می‌نویسند و برای بهبودی عزت‌الله مهرآوران دعا می‌کنند. هنرمندان حوزه کودک هم با انتشار فیلم و عکس هفته کودک را یادآور می‌شوند.

■ **اولین سالی که او نیست**

۱۷ مهر سال ۱۳۹۹ محمدرضا شجریان درگذشت. حال در اولین سالگرد نبود این هنرمند همایون شجریان نوشتاری را منتشر کرد و خبر داد که قطعه‌ای از کارهای او را منتشر خواهد کرد: «با سپاس بیکران از مهر یکایک شما عزیزان همدل با شما، قطعه‌ای از کارهای قدیمی پدر به یاد ایشان تنظیم، ضبط و بازخوانی شده است که ۱۶ مهر یک روز مانده به سال رفتن پدر با شما نازنینان به اشتراک خواهیم گذشت.»

■ **چهره‌ها**

کیومرث مرادی که در سریال «زخم کاری» مسئولیت انتخاب بازیگرها را برعهده داشت با انتشار فیلمی از این سریال نوشت: «داستان من و تو هنوز تموم نشده مالک، این رو تو آخرین دیدار به هم گفتیم. بعضی وقت‌ها نشانه‌ها، بخش هویتی زندگی تو می‌شود. فرصت یک خط بلند هستش که جهانی از معنا رو جلوی تو رمزگشایی می‌کنه. این جاه‌طلبی نیست. این رسیدن به نقطه‌ای هستش که تو می‌خواهی درک کنی تو چه مسیری داری راه میری و چی برای گفتن داری. گفتن به خودت و مسیر طولانی زندگی‌ات. ممنون از انرژی طبیعی دنیا، که این مسیر تموم نشده رو جلوی راهم گذاشت. ممنون از محمدحسین عزیز برای اعتمادش و جواد برای پشتیبانی و همراهی رفیقانش. دلم برای سماوات تنگ میشه! شاید وقتی دیگر.»

شاهد احمد در صفحه خود به انتشار فیلم «حریف دل» ساخته رضا گنجی و خاطره بازی پرداخته است. او برای ایفای این نقش برنده جایزه بهترین بازیگری از جشنواره جهانی فیلم رشد و همچنین برنده جایزه بهترین بازیگری از جشنواره فیلم المپیک - فیلم‌های ورزشی به دبیری رضا میرکریمی شده است. او با اشاره به افتخار همکاری با جمشید مشایخی، فاطمه گودرزی و فریبرز سمندرپور نوشت: «بسیاری از بازیگران جوان این فیلم در ابتدای مسیر کاری خود بودند. ستاره اسکندری، رامین راستاد، مهدی تارخ و بهناز جعفری. یادش بخیر رضا رخشان عکاس این فیلم بود و موسیقی فیلم را هم استاد ناصر چشم آذر از خود به یادگار گذاشتند. از سویی این اثر یکی از به یادماندنی‌ترین فیلم‌هایی است که در سال ۱۳۷۶ بازی کرده‌ام؛ چون رفاقت و صمیمیت همیشگی من و آشنایی خانوادگی ما با ناصر عزیز در طول ساخت موسیقی همین فیلم شکل گرفت و تا اکنون ادامه دارد و دارد و دارد.»

رضا یزدانی هم در صفحه خود با انتشار تیزر فیلم سینمایی «شب هامون» به کارگردانی حمیده معین‌فر خبر از انتشار پروانه نمایش این فیلم داد. رضا یزدانی که در این فیلم به همراه نازنین فراهانی بازی دارند. نخستین اثر سینمایی حمیده معین‌فر و نخستین تجربه سینمایی او در ژانر تریلر روانشناسانه است. فیلمنامه شب هامون توسط سمیه تاجیک به نگارش درآمده است. قصه این فیلم تنها در یک لوکیشن و با دو شخصیت روایت می‌شود.

■ **یاد هنرمند**

پوریا پورعطایی نوه غلامعلی پورعطایی در صفحه خود با انتشار عکسی از این هنرمند یادآور شد که مهر امسال هفتمین سالی است که این پیشکسوت موسیقی نواحی خراسان دیگر در میان ما نیست: «هفتمین سالگرد پرواز روح بزرگمرد موسیقی مقامی خراسان و چهره ماندگار ایران زمین پدر بزرگ عزیزم مرحوم استاد غلامعلی پورعطایی بر جامعه هنری تسلیت روحش شاد و یادش در قلبمان همیشه زنده.»

ایرج افشار ۱۶ مهر متولد شد. این محقق، ایران‌شناس، کتاب‌شناس و نسخه‌پژوه اگر زنده بود امسال ۹۶ ساله می‌شد. یاد او در صفحه مجید جلیسه، نویسنده و رئیس سابق اداره کتاب معاونت فرهنگی آمده است. در بخشی از این متن آمده است: «نمی‌دانم چه کسی تعبیر «سلیمان مُلک کتاب» را برای مرحوم استاد ایرج افشار بکار برد، اما تعبیری بحق و دلنشین است. افشار با تمام وجود کتاب بود و فرهنگ. یکی از ده‌ها ویژگی برجسته او، آرشیویست بودن افشار است؛ بجز کتاب‌ها و مجلات فراوانی که در کتابخانه خود جمع‌آوری و نگهداری نمود؛ آرشیو کردن بیش از پنج هزار مقاله (منتشر شده و نشده)، کارت‌پستال‌ها، اعلامیه‌ها، فهارس، کاتالوگ‌ها، جشن‌نامه‌ها، یادنامه‌ها، زندگینامه‌ها و...، ارزش و جایگاه گنجینه پژوهشی ایران را که خوشبختانه در حال حاضر در کتابخانه مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی محفوظ است، دوچندان می‌کند. مرحوم افشار در تمام سال‌های زندگی اگر در همایش، نشست یا جلسه‌ای چه داخل و چه خارج از کشور شرکت می‌نمود و در آن کاتالوگ یا بروشور یا حتی کاغذی می‌دادند یا برای او ارسال می‌کردند، حفظ و آرشیو می‌نمود. منابعی ساده و به ظاهر بی‌اهمیت اما مهم و ارزشمند و البته کم نظیر که شاید امروز در هیچ کجا جز گنجینه پژوهشی ایشان یافت نشود.»

■ **چی بخوانیم**

مهدی غبرایی از آن دسته مترجم‌هایی است که کتاب‌های خوبی را به طرفداران ادبیات خارجی معرفی کرده است. اسم این مترجم پای هر کتابی نشانه خوب بودن کتاب است که با ترجمه خوب او، لذت خواندن چندبرابر می‌شود. کتابفروشی دهخدا لیستی از کتاب‌های این مترجم را معرفی کرده است. این لیست شامل این کتاب‌هاست: «عشق و دیگر هیچ» اثر الکساندرا کلانتا/ «خیره به خورشید» اثر اروین د بالوم/ «میعاد در سپیده دم» اثر رومن گاری/ «تعقیب گوسفند وحشی» اثر هاروکی موراکامی/ «بادبادک باز» اثر خالد حسینی/ «این ناقوس مرگ کیست؟» اثر ارنست همینگوی/ «ساعت‌ها» اثر مایکل کانینگهام/ «کوری» اثر ژوزه ساراماگو.

علی گلستانه، نقاش نامی ایرانی درگذشت

علی گلستانه هنرمند نقاش در ۸۱ سالگی براثر بیماری کرونا درگذشت. او زاده سال ۱۳۱۹ در تهران بود و نقاشی را نزد علی اصغر پتگر آموخت و مدرک کارشناسی رشته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبا داشت. سال ۱۳۵۵ اولین نمایشگاه از کارهای مدادرنگی‌اش را در گالری شهر، در تهران، برگزار کرد و در سال ۱۳۵۸ با سفر به اسپانیا دو نمایشگاه در شهر مادرید و نمایشگاه دیگری در سانتا اوللالیا، ایبینزا برگزار کرد. مدت زمانی هم مقیم انگلستان بود و در مدرسه چاپ لندن وابسته به دانشگاه لندن تحصیل آزاد کرد. (از ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶) و پس از چندی به سمت طراح و نقاش نشریه باشگاه رویال اتومبیل انگلستان مشغول کار شد. گلستانه در سال ۱۳۶۶ به ایران برگشت و از آن تاریخ در کشور ماند و چندین نمایشگاه انفرادی در گالری‌های گلستان، اعتماد، هورامکان و مریم فصیحی هرندی برگزار کرد. آخرین نمایشگاه او مرداد ماه سال گذشته در گالری ۰۰۹۸۲۱ برگزار شده بود.

هنرمندی با هنری شاهکار و اخلاقی زیبا

یادداشت

قباد شیوا
طراح و گرافیست
پیشکسوت

علی گلستانه را از سال‌ها قبل می‌شناسم، از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ در دانشکده هنرهای زیبا همکلاس بودیم و این دوستی و ارتباط از آن روزگار همچنان ادامه داشت و گهگاهی به بهانه تماشای کارهای یکدیگر تجدید دیدار و خاطره‌ای انجام می‌گرفت و بی تردید باید بگویم علی گلستانه یک نقاش واقعی بود و کارهایش شاهکار یک هنرمند ایرانی است، بخصوص نقاشی آبرنگ‌هایش که بسیار زیبا بود. او روزها و شب‌های بسیاری در کنج عزلت خود و در محیط خانه‌اش سرگرم کار بود و ساعت‌های طولانی پشت سه‌پایه‌اش می‌نشست و نقاشی می‌کرد اما تمام این تلاش‌ها هیچ‌گاه از روی تملق و تظاهر نبود. او از روی علاقه و عشق نقاشی می‌کشید و هر ۱۵ سال یک بار هم نمایشگاهی برگزار می‌کرد و همان‌طور که پیشتر اشاره کردم، این تلاش‌ها برای تظاهر و به انگیزه برگزاری یک نمایشگاه نقاشی نبود مانند برخی دوستان که تنها به بهانه برگزارکردن نمایشگاه، کار می‌کنند اما علی گلستانه هیچ‌گاه نمایشگاهی به این هدف برگزار نکرد... از سیرت و اخلاق خوب او هم هرچه بگویم کم است. هنرمندی که هیچ‌گاه زبان به اعتراض و گلایه باز نکرد. از او خاطرات بسیار خوبی به یاد دارم و بسیار متأسفم که یک همکلاسی، یک همکار خوب و یک دوست و هنرمند عزیز را از دست دادیم و امیدوارم نسل جوان از هنر او بهره‌های بسیار برده باشند.

هنرمندی که شبیه هیچ‌کس نبود

یادداشت

کامبیز درم‌بخش
طراح، کاریکاتوریست و گرافیست
پیشکسوت

آشنایی من با آقای علی گلستانه از مطبوعات آغاز شد، از سال ۱۳۳۵؛ آن زمان در تحریریه مجله روشنفکر همکار بودیم. علی گلستانه مسئولیت لی اوت و صفحه‌بندی، تصویرسازی و کلیشه‌سازی مجله را برعهده داشت و دو- سه سالی با هم دریک اتاق کار می‌کردیم. آن زمان کسی فکر نمی‌کرد یک روز این مرد خوش‌اخلاق و دوست‌داشتنی، نقاشی بزرگ و برجسته شود. حتی خود من هم تصور نمی‌کردم. این دوستی و آشنایی از آن دوران ادامه داشت تا آنکه به خارج از ایران سفر کردم و تقریباً چند سالی ارتباطی نداشتیم و بعد از بازگشت فرصتی پیش آمد تا دیداری تازه کنیم و کارهایش را دنبال می‌کردم. باید بگویم سبک کاری علی گلستانه ویژگی خاصی داشت و این ویژگی مهم بی‌شباهت بودن با آثار دیگران بود و امضای کاری خودش بود؛ نقاشی‌هایی که اغلب تصویرهایی از طبیعت و محیط زیست بود. به یاد دارم قبل از انقلاب سفری به ایتالیا داشتیم، شهر بولونیا. در آنجا نمایشگاه نقاشی برپا بود و علاوه بر من و آقای گلستانه تعدادی دیگر از هنرمندان ایرانی هم حضور داشتند. بعد از آن به علت مشغله کاری هر دوی ما فرصت کمتری پیش آمد تا دیداری داشته باشیم اما کارهایشان را با علاقه دنبال می‌کردم و بعد از آن سال‌ها هم چندین بار همدیگر را ملاقات کردیم و برایم جالب بود نوع پوشش، یک کاراکتر هنری از او ساخته بود. البته ناگفته نماند ظاهر و پوشش هنرمندان بسیار مورد توجه و اهمیت است. سخن گفتن از آقای علی گلستانه این هنرمند فوق‌العاده و کم‌نظیر بسیار است، مردی که هیچ‌گاه اهل تظاهر نبود و اخلاق زیبا و صمیمانه‌اش به گونه‌ای بود که همه دوستش داشتند. اما نکته‌ای که لازم به بیان و یادآوری است و بسیار جای تأسف دارد، این است که متأسفانه اخلاق‌های ناشایستی از برخی از دوستان هنرمند سر می‌زند و با فوت یک هنرمند بی‌آنکه او را بشناسند یا با کارهایش آشنایی داشته باشند عکس‌های او را در فضای مجازی منتشر می‌کنند و این موضوع درخصوص آقای علی گلستانه هم تکرار شد و مطمئن هستم بسیاری از این دوستان حتی او را ندیده بودند و نمی‌شناختندش البته برای دیگر هنرمندان ایرانی هم چنین موضوعاتی بارها تکرار شده و اتفاق بسیار غم‌انگیزی است و البته این رفتار را درخصوص برخی مسئولان هم دیده‌ایم. ما باید برای هنرمندان تا زمانی که زنده هستند اجر بگذاریم و از آنها یاد کنیم. بسیاری از این هنرمندان مشکلات مالی بسیار شدیدی داشته‌اند. یک راه طولانی را گذرانده‌اند تا معروف شوند و به شهرت برسند و اوضاع زندگیشان سروسامان پیدا کند اما به‌دست آوردن این فرصت آنقدر کوتاه است که از معروفیت و شهرتش و پولی که از آن به‌دست می‌آورد بهره اندکی می‌برند.

در سوگ درگذشت آذرتاش آذرنوش، شوالیه زبان عربی در کشورمان

دغدغه‌مند در پیوند فارسی و عربی

فرهنگ ایران در سوگ یکی دیگر از بزرگان خود نشست. آذرتاش آذرنوش که عمده زندگی‌اش صرف برقراری پیوند میان دو زبان فارسی و عربی گذشت، پنجشنبه گذشته بعد از مدتی تحمل بیماری در ۸۴ سالگی با زندگی وداع گفت. این چهره ماندگار ادبیات عرب برای سال‌ها مدیریت بخش ادبیات عرب مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی را برعهده داشت و استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نیز بود. این نویسنده و محقق فراگیری ادبیات عرب را از دانشگاه تهران آغاز کرد و سپس در فرانسه تا دریافت درجه دکتری ادامه داد. او نخستین ایرانی بود که در ادبیات عرب دکتری گرفته است. تألیفات و ترجمه‌های او همگی درباره سهم چشمگیر ایرانیان در زبان و ادب عربی بویژه در قرن‌های نخست پس از اسلام هستند.

یادداشت

فاطمه پرچگانی
مترجم ادبیات عرب و عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی

آذرتاش آذرنوش، چهره ماندگار زبان و ادبیات عربی در ایران که روز پنجشنبه در سن ۸۴ سالگی درگذشت، نخستین ایرانی بود که دانشنامه دکترای زبان و ادبیات عربی خود را از فرانسه گرفت. وی همچنین نشان شوالیه نخل آکادمیک را به پاس تلاش‌هایش در ترجمه از زبان فرانسه به فارسی در زمینه زبان و ادبیات عربی، از دولت فرانسه دریافت کرده بود. پاییز سال گذشته (۱۳۹۹) که به عنوان مشاور و مسئول کمیته داوری با اداره «جایزه ترجمه و تفاهم بین‌المللی» قطر همکاری می‌کردم، با وی تماس گرفتم تا از ایشان دعوت کنم در ارزیابی آثار نامزد شده، ما را یاری کند. بسیار سرحال و با نشاط بود و به نظر نمی‌رسید در شرایطی باشد که عمرش تنها کفاف یک سال را بدهد. با روی خوش از پیشنهادم استقبال کرد که البته به دلیل شرایط خاص داوری در سایه پاندمی کووید ۱۹، نتوانستیم از خدمات مستقیم ایشان بهره ببریم اما گفت‌وگویی ارزشمند در زمینه مسائل میان فارسی و عربی بین ما رخ داد.

وی که عمرش را در راه فرهنگ سپری کرد، مدیر بخش ادبیات عربی مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی و نخستین مدیر گروه ادبیات عربی دانشگاه تهران بود. چالش‌ها و پیوندهای میان دو زبان فارسی و عربی از نظر تاریخی و اجتماعی، از جمله دغدغه‌های وی بود که در کتابی به نام «چالش میان فارسی و عربی، سده‌های نخست» به آنها پرداخته است.

به گفته آذرنوش، در دو سده نخست هجری قمری، زبان عربی به عنوان زبان رسمی فصیح در دیوان‌های دولتی و میان اشراف و اعیان عرب نژاد معمول بود. از اواخر سده دوم ایرانیان بسیاری رو به زبان و

ادبیات عربی نهادند به طوری که زبان عربی بر فضاهای درون اجتماع وارد شد. البته که در این میان، بسیاری برای حفظ زبان فارسی و سنت‌های خود کوشیدند.

اطلاعات وارده شده در این کتاب که مرجع علمی مهمی برای زبان‌پژوه‌ها در زمینه ارتباط میان فارسی و عربی است، اگر چه با نام چالش بیان شده، اما در واقع بیانگر همزیستی، همراهی و تفاهم میان آن دو نیز است.

دغدغه آذرنوش درباره فارسی و عربی به این کتاب محدود نشده و دو کتاب دیگر نیز در این زمینه نگاشته است: «راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان تاری (پیش از اسلام) را پیشتر در سال ۱۳۵۲ و «تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، از آغاز تا دوره صفوی» را سال ۱۳۷۵ منتشر کرد.

آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی- فارسی را نیز بر اساس فرهنگ عربی- انگلیسی هانس ور (Hans Wehr) فرهنگ‌نویس و عرب‌شناس آلمانی تدوین کرده که در واقع، فرهنگ لغتی برای زبان امروزی عربی است و چاپ نخست آن به زبان عربی- آلمانی در سال ۱۹۵۲ منتشر شده بود.

اساس منابع این فرهنگ لغت، آثار نویسندگان برجسته در دو قطب مهم عربی یعنی مصر و لبنان در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از جمله طه حسین، محمد حسین هیکل، توفیق الحکیم، محمود تیمور، مصطفی منفلوطی، جبران خلیل جبران و امین الریحانی و همچنین مجلات، روزنامه‌ها و کتاب‌های درسی عربی در مصر و برخی کشورهای عربی دیگر بوده است. آذرنوش که یادش تا ابد زنده باد، به مسائل دیگر مرتبط با زبان و ادبیات عربی و ارتباط آن با فارسی نیز پرداخته و تألیفات و ترجمه‌های ارزشمند و ماندگاری را در این زمینه به جای گذاشته است.

سیره رسول خدا-۶

استوار درراه حق

رسول رحمت

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

آیات متعددی در قرآن به‌شکل مستقیم و غیرمستقیم ضمن تأکید بر شایستگی‌های منحصر به فرد پیامبرگرامی اسلام(ص)، الگو بودن آن حضرت را از همه جهات و برای همه آدمیان یادآور می‌شود.

این آیات بیانگر آن است که پیامبر بزرگوار اسلام(ص) را نمی‌توان همچون شخصیت‌های دیگرالهی، اسوه در زمینه‌ای خاص معرفی نمود، چه اوجامع همه فضایل اخلاقی و مستجمع تمام ارزش‌های معنوی به شمار می‌رود. کلام وحی بیش از همه انسان‌های برجسته دیگر، آن حضرت(ص) را شایسته تأسی دانسته و پیروی از آن حضرت(ص) را نه تنها بر مردم یک زمان و یک جامعه، بلکه بر همگان در همه جای جهان لازم شمرده است. دلیل تأکید بر این موضوع این است که اسوه‌های متعددی در قرآن ذکر شده و بر پیروی آنان سفارش شده است، اما هر یک به لحاظ یک یا چند جنبه از شخصیت شان مورد عنایت قرار گرفته‌اند و اسوه مطلق تنها وجود مبارک رسول گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) است.

با بررسی صفات و شیوه‌های متنوع پیامبراکرم(ص) به‌نظر می‌رسد عصاره این صفات بارز و فضایل، چیزی جز رحمت نیست که جلوه ویژه و وجه بارز شخصیت و دعوت آن حضرت(ص) را شکل می‌دهد چنانکه در آیه‌ای همه رسالت آن حضرت(ص) در رحمت خلاصه شده است. «و ما ارسلناک رحمة للعالمین» و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم (انبیا آیه۱۰۷)

پس از ذکر این مقدمات به بررسی تعدادی از فضایل و سیره پیامبرخاتم(ص) می‌پردازیم.

■ **صراحت در بیان عقیده**

صاحب عقیده‌ای که بر حق باشد، دلیلی برای کتمان و سرپوش نهادن بر اعتقاد خویش ندارد. پیامبر گرامی اسلام به تصریح قرآن کریم در برابر کفار و مشرکین با صراحت به بیان عقیده خود می‌پرداخت و آن را آشکارا ابراز می‌نمود. حوادث سال‌های اولیه بعثت مشحون از حوادثی است که نشانگر استواری پیامبر در راه عقیده خویش است. درشأن نزول سوره کافرون در سیره ابن هشام آمده است: روزی پیامبر اکرم(ص) در حال طواف کعبه بود که «اسود بن مطلب» و «ولید بن مغیره» نزد پیامبر آمده و گفتند: ای محمد بیا تا ما آنچه را تو می‌پرستی بپرستیم و تو نیز آنچه را ما عبادت می‌کنیم عبادت کن و در این امر بزرگ با یکدیگر شریک گردیم. آنگاه اگر معبود تو بهتر بود ما بهره خود را از او گرفته‌ایم و اگر معبود ما نیکوتر بود، تو نیز از آن بهره گرفته‌ای. پس پیامبر گرامی اسلام با الهام از وحی فرمود: بگو خدا را می‌پرستم، در حالی که دینم را برای او بی‌آلایش می‌گردانم. در حقیقت کسانی را که به‌جای خدا می‌خوانید، مخلوقاتی امثال شما هستند. بی‌تردید سرور من آن خدایی است که قرآن را فرو فرستاد و همو دوستدار شایستگان است. (سوره کافرون، آیات ۴ - ۱)

کفار قریش پس از فشار، تهدید و آزار و اذیت بسیار در صدد برآمدند با تطمیع و اقناع آن حضرت را با خود همراه کنند.

بر اساس روایتی، کفار قریش به پیامبر می‌گفتند: ای محمد(ص)، آیین قومت را ترک می‌گویی، در حالی که ما می‌دانیم جز فقر تو را به این امر وا نداشته است. پس بیا تا ما از دارایی‌های خود برای تو (انبوهی) گرد آوریم و تو را از ثروتمندترین مردم گردانیم. (مجمع البیان، ج،۹ ص ۴۷۹)

از جلوه‌های بارز سازش‌ناپذیری در سیره عملی پیامبر(ص)، مقاومت آن حضرت در برابر مساوقه و چانه زدن با مشرکان است. سید قطب در ذیل آیه ۹ سوره قلم می‌گوید: روایات متعددی مبنی بر سازش و گرایش مشرکان به اسلام به شرط سازش و مداهنه رسول گرامی اسلام(ص) و ترک بازگو کردن معایب بت‌ها و پیروی از بعضی عقاید آنان به منظور حفظ آبروی ایشان در برابر توده‌های عرب در تاریخ ذکر شده است، ولی چون این درخواست‌ها در مورد اصل دیانت و عقاید اسلام بود، هیچ گونه سازش و نرمشی را از سوی پیامبر در پی نداشت، اما در خارج از این قلمرو پیامبر اسلام آسان گیرترین و باگذشت‌ترین مردم بود. (فی ظلال القرآن، ج ۶ ص ۳۶۵۹)

استاد شهید مطهری نیز در تبیین پایبندی پیامبر اکرم به تحکیم اصول و اجرای حدود الهی در مقابل نرمش و مدارای آن حضرت در امور فردی و حقوق شخصی چنین می‌گوید: پیامبر در مسائل اصولی هرگز نرمش نشان نمی‌داد، در حالی که در مسائل شخصی فوق‌العاده نرم و مهربان بود و فوق‌العاده عفو و گذشت داشت. اینها نباید با یکدیگر اشتباه شوند.

شهید مطهری در ادامه بحث پس از ذکر نمونه‌ای از نرمش پیامبر در برابر یهودی شاکی و مدعی و حتی تحمل خشونت وی، ماجرای دزدی همسر یکی از اشراف قریش و عدم نرمش آن حضرت در خصوص اجرای حکم و نپذیرفتن هرگونه وساطت را به تفصیل مطرح می‌سازد. (کتاب آسیب شناسی دینی)

عکس نوشت

این روزها سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان با شعار «سینما، سرزمین خیال» در حال برگزاری است و تا ۲۱ مهرماه هم میزبان کودکان و نوجوانان و فیلم‌های مخصوص آن‌ها خواهد بود.
عکس: خبرگزاری مهر